



جایگاه نظارت قضایی پیشینی بر امر تعقیب و تحقیق در دادرسی کیفری ایران، آلمان و ایتالیا

ماجد جَبان^۱، محمود صابر^{۲*}، سید دُرید موسوی مجاب^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶

E-mail: m.saber@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



چکیده

نظارت قضایی پیشینی بر تعقیب و تحقیق، از جمله تحولات نوین آیین دادرسی کیفری است. این نظارت عبارت است از اتخاذ نظارت از سوی قضات دادگاه یا قضات متخصص مستقل و خارج از نهاد دادرسی بر اقدامات و تصمیمات نهاد دادرسی از جمله بازپرس و به خصوص ناظر بر اقدامات محدود کننده حقوق و آزادی های افراد در مرحله پیش دادرسی کیفری است. این نظارت در سیستم دادرسی کیفری ایتالیا، آلمان، به رسمیت شناخته شده است؛ اما در قانون ایران نظارت قضایی پیشینی تنها به صورت موردی در برخی مواد قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است، بی آنکه به درستی به همه تصمیمات متقابل با حقوق و آزادی های افراد در مرحله پیش دادرسی تعمیم داده شود. این مقاله، با هدف تبیین نظارت قضایی پیشینی متخذ در آلمان و ایتالیا به صورت تطبیقی و بررسی تفاوت آنها با نظارت موجود در ایران با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و در عین حال تطبیقی است با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای؛ انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از ضرورت توجه قانونگذار ایران و دکترین حقوقی به مسأله نظارت قضایی پیشینی بر تعقیب و تحقیق همانند آلمان و ایتالیا و سلب صلاحیت نظارتی از دادرسی به صورت صریح و دقیق به جهت جلوگیری از تمرکز گرایی اختیارات تعقیب و تحقیق و نظارت در دست دادرسی، ارتقای کیفیت عدالت کیفری، پیشگیری از اشتباهات قضایی و نقض حقوق و آزادی های افراد با این اختیارات وسیعی که به نهاد دادرسی داده شده است.

واژگان کلیدی: تحقیقات مقدماتی، حقوق و آزادی ها افراد، دادرسی کیفری، منع سوء استفاده از اختیارات، نظارت قضایی .



۱. مقدمه

می‌توان محورهای مورد بحث در آیین دادرسی کیفری را به "صلاحیت‌ها"، "تامین حق‌ها"، "ساختارها" و "ادله اثبات" معرفی کرد. مسئله اصلی کنکاش نظارت قضایی بر قرارهای تعقیبی و تحقیقی در بخش "ساختارها" در راستای "تامین حق‌ها" قرار می‌گیرد. در قطعنامه‌نهایی پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا سال ۱۹۹۴ میلادی در ریودوژانیروی برزیل آمده است که: «هر تصمیمی که توسط مقام صلاحیت‌دار اتخاذ می‌شود و با حقوق بنیادین افراد ارتباط دارد - حتی اقدامات مأموران پلیس - باید مورد تأیید قاضی و با نظارت او باشد». (خزانی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۷۵). همچنین مداخله پیشگیرانه قاضی در زمینه تصمیمات حقوق و آزادی‌های افراد تنها در راستای کنترل قدرت یا تأیید قانونی بودن اقدامات متخذ نیست؛ بلکه به طور مؤثر از منافع اطراف پرونده در دادرسی کیفری محافظت می‌کند و فرصت مضاعف جهت جلوگیری از آسیب جدی که ممکن است در نتیجه یک تحقیق غیر منتظره ایجاد شود؛ جلوگیری می‌کند. دروازه بان دستگاه قضایی دادرسی است و داشتن چنین صفت ممکن است مانع ورود برخی پرونده‌ها به دستگاه قضایی در راستای فراری دادن برخی افراد یا برآوردن مصالح خاص؛ شود. بر این اساس ضرورت پیش‌بینی نظارت قضایی بر دادرسی به جهت دلیل پیشین نیز نشأت می‌گیرد (van Aaken et al, 2004: 3). ورود دستگاه قضایی به مسائل حقوق و آزادی افراد با اعمال نظارت قضایی، حقوق و آزادی‌ها افراد و هم‌ترازی بین آن و مصلحت عمومی برقرار می‌کند؛ از جلوه‌های این نظارت در دادرسی کیفری، تعیین قلمرو اختیارات دادرسی یا قاضی تحقیق در کنترل تماس‌های تلفنی، دستگیری، بازداشت موقت، ضبط پیام‌ها، تفتیش و اقدامات دیگری است (سرور، ۲۰۱۶: ۱۸۲). ممکن است از سوی برخی حقوقدانان این انتقاد مطرح شود که نظارت پیشینی ناشی از ترجیح حقوق متهم بر حق دولت در مجازات افراد است؛ اما واقعیت این است که نظارت قضایی در تعارض با استقلال دادرسی نیست و استقلال دادرسی



موجب از بین بردن نظارت قضایی بر اعمال داسرا در قلمرو قانون نمی‌شود (همان: ۲۶۹).

به هر حال، پیش از نظارت وجود اقدام یا آزادی عمل ضروری است؛ لذا نظارت یک مُضاف است و نیاز به مضاف‌الیه یا متعلّق دارد؛ مضاف‌الیه یا متعلّق نظارت عبارت از اقدامات صورت‌گرفته در قوای مجریه، قضاییه و مقننه است (راسخ، ۱۳۸۸: ۱۵). نظارت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، به معنای نظارت خارج از نهاد داسرا (از سوی قضات دادگاه مستقل و بی‌طرف) بر عملکرد داسرا و اطمینان از مشروعیت اقدامات تأثیرگذار بر حقوق و آزادی‌های فردی - از لحاظ تحقق شرایط شخصی و عینی اقدامات انجام شده - است (شمس‌الدین، ۲۰۰۷: ۵۵). از این رو نظارت قضایی در این پژوهش، نظارت دادگاه‌های عالی بر دادگاه‌های تالی یا سازمان‌ها (دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و ...) مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ بلکه صرفاً نظارت قضات نشست (دادگاه) بر عملکرد قضات ایستاده (داسرا) از حیث وظایفی مهمی (متعارض با حقوق و آزادی‌های افراد) است که انجام می‌دهند. هر نظارت، دارای چهار پایه اصلی است: «ناظر»، «نظارت‌شونده»، «فرآیند نظارت» و «وسایل و ابزارهای نظارت» (نژاد، ۱۳۸۳: ۲۲). برخی حقوق‌دانان در خصوص نظارت قضایی بر مرحله تحقیقات مقدماتی دو الگو را با تعبیر الگوی فاقد نظارت قضایی و الگوی دارای نظارت قضایی به کار برده‌اند (یوسفی، ۱۳۹۱: ۷). منظور از الگوی فاقد نظارت قضایی یعنی نداشتن نهاد یا افراد ناظر از ویژگی‌هایی است که قضات از آن برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر، ممکن است نظارت وجود داشته باشد اما خصیصه قضایی بودن نداشته باشد. حقوق‌دانان دیگر الگوی باز و الگوی بسته اطلاق کرده‌اند؛ در الگوی بسته متولیان امر تعقیب و تحقیق صلاحیت ندارند که در امور دارای جنبه قضایی و مرتبط با حقوق و آزادی‌های افراد تصمیمی اتخاذ کنند؛ بلکه باید آن را در اختیار مقام قضایی دارای استقلال و بی‌طرف قرار دهند. در الگوی باز، متولیان امر تعقیب و تحقیق،



صلاحیت اتخاذ تصمیمات حاوی جنبه قضایی یا متعارض با حقوق و آزادی‌های افراد را دارا هستند (عبدی و اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۵۱). به همین دلیل گفته می‌شود در نظام‌های تفتیشی معمولاً دادستان بر تحقیقات نظارت می‌کند. نظارت پیشینی، نظارتی است که پیش از اتخاذ تصمیمات یا اقدامات از سوی مقامات صلاحیتدار صورت می‌گیرد. از این رو می‌توان این نوع نظارت را به فیلتر پیشین اتخاذ تصمیمات تشبیه کرد. چنانچه نظارت پیشینی دارای الگوی مناسب و برخوردار از استقلال و بی‌طرفی باشد، به نوعی دارای جنبه پیشگیرانه، بازدارنده از تصمیمات نامناسب، مانعی در مسیر تعرض به حقوق و آزادی‌های افراد و تقویت‌کننده رویکرد به حداقل رساندن آسیب یا آسیب‌های ممکن‌الوقوع می‌باشد. (Dyussebayev, 2020: et al: 792-799).

در فرانسه، اختیارات دادستان‌ها از طریق دستورالعمل‌های صادرشده توسط مقامات مافوق آنها محدود شده است.^۱ در رأس این سلسله مراتب وزیر دادگستری قرار دارد. اقدامات مرتبط با حقوق و آزادی‌های افراد منوط به مجوزی است که قاضی آزادی و بازداشت صادر می‌کند؛ این اختیارات طیف وسیعی از اقدامات نظیر شنود و ردیابی ارتباطات الکترونیکی^۲، تحت نظر بیش از ۴۸ ساعت توسط پلیس^۳، تفتیش و ضبط اسناد و مدارک در خارج از بازه زمانی قانونی^۴، همچنین تکنیک‌های تحقیقاتی خاص مانند به‌کارگیری دستگاهی برای جمع‌آوری داده‌های ارتباطات فنی^۵، سیستم

۱. Art.39-1; C.p.p.

۲. Art.706-95; C.p.p.

۳. Art.706-88 ; C.p.p.

۴. Art.706-89; C.p.p.

۵. Art.706-95-20; C.p.p.



صوتی و تثبیت تصاویر مکان‌ها یا وسایل نقلیه خاص^۱، ضبط داده‌های رایانه‌ای^۲، اجازهٔ تفتیش در تحقیقات مقدماتی^۳، همچنین دستیابی به افراد فراری از طریق شنود، ضبط و کپی گفتگوهای ارسال شده توسط دستگاه‌های مخابراتی؛ و نمونه‌های دیگر را در بر می‌گیرد که نشان می‌دهد بسیاری اختیارات تحقیقی از دادستان سلب شده است. در ایالات متحدهٔ آمریکا معمولاً پلیس عهده‌دار تحقیق و دادستان مسئول تعقیب است؛ اکثریت دادستان‌های ایالتی منتخب مردم هستند و در نتیجه در برابر آنان مسئولیت دارند. چنین سازکاری به مثابه نظارت بر اختیارات دادسرا تلقی می‌شود. در این کشور نظارت بر اختیارات دادستان، در سال ۱۹۷۰ میلادی تحت تاثیر مطالعات میلر دیفیسره اهمیت یافت، اما در سال ۱۹۸۰ میلادی قوت گرفت. اگرچه این شکل از نظارت ممکن است با توجه به سیاست کلی اجرای قانون مفید باشد، اما بر تصمیم‌گیری روزمره دادستان‌ها و برخورد آن‌ها با پرونده‌های فردی تأثیر اندکی دارد. بنابراین، مسئولیت سیاسی دادستان آمریکایی، تنها در صورتی که به دنبال دوباره انتخاب‌شدن باشد، مطرح می‌شود. بر این اساس، ضرورت دارد نوع مستقیمی از نظارت بر اختیارات دادستان و تصمیم‌های وی و دستیارانش در پرونده‌های فردی پیش‌بینی شود (Gordon & Gregory, 2002: 334-351).

در انگلستان پلیس عهده‌دار تحقیق و گردآوری ادله است؛ اما نظارت بر تعقیب بر عهدهٔ نهاد دادستانی سلطنتی (CPS)^۴ است. الگوی موجود در انگلستان و نیز ولز بر خلاف سایر کشورهای اروپایی، امر تحقیق را به پلیس واگذار می‌کند و ادارهٔ خاصی

۱. Art.706-96; C.p.p.

۲. Art.706-102; C.p.p.

۳. Art.76; C.p.p.

۴. Art.74-2; C.p.p.

۵. Miller; Davis

۶. The Crown Prosecution Service



تحت عنوان «واحد تحقیق کیفری و کشف جرم»^۱ در ساختار پلیس پیش‌بینی شده است (خانعلی‌پور واجارگاه، ۱۳۹۷: ۱۰۳). نظارت قضایی در نظام‌های کامن‌لا به مراتب ساده‌تر از نظام‌های رومی-ژرمنی است؛ چون در ساختار نظام‌های کامن‌لا قضات از جایگاه بالایی برخوردارند و دادسرا نوعاً ضعیف است، اما در دومی با وجود قاضی تحقیق که هم قاضی و هم ضابط محسوب می‌گردد، وضعیت پیچیده است (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۹۰).

بنابر بر آنچه بیان شد مجوز قاضی ناظر تحقیقات کیفری در مسائل بازرسی منزل، دستگیری و بازداشت در راستای حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندی لازم است (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). به عنوان نمونه در سال ۲۰۲۱ م در استونی ویناری تحت عنوان "استقلال دادسراها در اروپایی مرکزی" برگزار شد در این وینار بر ضرورت نظارت قضایی بر آزادی عمل دادستان در سیستم قانونی بودن تعقیب یا اقتضای تعقیب (همانند معامله اتهام یا عدم تعقیب) به جهت جلوگیری از دخالت‌ها موجود در عملکرد دادسرا تاکید شد (OSCE, 2022: 11). در دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص مسأله نظارت قضایی بر دادستان در قوانین داخلی کشورها، رویه قضایی چندان غنی ندارد؛ دلیل این امر آن است که نظارت قضایی بر مرحله پیش‌دادرسی به ندرت در قوانین داخلی کشورها پیش‌بینی شده است و تا زمانی که چنین ظرفیت قانونی وجود نداشته باشد، دادگاه اروپایی نمی‌تواند به موضوع ورود پیدا کند (Nowak, 2014: 61). رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که دادستان ممکن است تحت نظارت قاضی قرار گیرد که نسبت به طرفین دادرسی و قوه مجریه دارای استقلال باشد و از مقامات تعقیب‌کننده در دادرسی نیز نباشد (Ibid: 61).^۲ حقوق‌دانان به مساله میزان

۱. Criminal Investigation Department (CID)

۲. See: Huber v. Switzerland, 23 Oct. 1990, more recent case law: Niedbała v. Poland, 27915/95, 4 June 2000; Moulin v. France, 37104/06, 23 Nov. 2010. In Niedbała v. Poland, the ECtHR stated: "Before an 'officer' can be said to exercise 'judicial power' within the meaning of



دخالت مقامات نظارت کننده در مقامات نظارت شونده پرداختند. بعضی از حقوقدانان بر این هستند که مقامات نظارت کننده تنها قدرت نظارت بدون دخالت در اقدامات تحقیقی را دارند و نظارت تنها زمانی می تواند موثر باشد که قاضی در موقعیتی قرار گیرد: نه خیلی نزدیک و نه خیلی دور باشد (Giudicelli-Delage, 2007: 401). به عبارتی مقام نظارت کننده همزمان قدرت تحقیقی و دخالت را جهت حفظ استقلال نداشته باشد و تنها به عنوان نهاد نظارت کننده به عنوان طرف سوم هستند. لیکن رویکرد دیگر قائل به جمع بین نظارت و تحقیق (نهاد نظارت کننده و نهاد تحقیق) و واگذاری چنین امر منجر به نظارت مؤثر بر تناسب و ضرورت اقدام انجام داد : (Gogorza, 2020) 110. بر این اساس به نظارت های موجود در قانون آیین دادرسی کیفری ایران با مطالعه تطبیقی در آلمان و ایتالیا می پردازیم.

۲. نظارت درون نهادی

نظارت درون نهادی، خود نهاد بر تصمیمات خود نظارت می کند؛ به عبارت دیگر، خود نهاد در اتخاذ تصمیمات هم ناظر و هم نظارت شونده است. این نظارت از سوی مقام های همان نهاد اعمال می گردد، خواه در قانون به یک قاضی، یا حتی تعدادی از قضات وابسته به آن نهاد واگذار شده باشد؛ مثال بارز این نوع نظارت، رویکرد موجود در ایران است طبق ماده ۲۸ و ۳۲ و ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲،

this provision, he or she must satisfy certain conditions providing a guarantee to the person detained against any arbitrary or unjustified deprivation of liberty (...). Thus, the 'officer' must be independent of the executive and of the parties. In this respect, objective appearances at the time of the decision on detention are material: if it appears at that time that the 'officer' may later intervene in subsequent criminal proceedings on behalf of the prosecuting authority, his independence and impartiality are capable of appearing open to doubt (...). The 'officer' must hear the individual brought before him in person and review whether or not the detention is justified. If it is not justified, the 'officer' must have the power to make a binding order for the detainee's release" (§§ 48-49). It resulted in the change to the Polish law.)



نظارت و ریاست بر اعضای دادسرا از جمله بازپرس‌ها و دادیارها بر عهده دادستان است. در ایتالیا، پیشگامان حقوق اساسی درصدد تغییر رابطه دادستان و قوه مجریه بودند و اکنون، دادستان‌های ایتالیایی جایگاهی مانند قضات دارند. پیش از ۱۹۴۶ میلادی، در این کشور دادستان وظایف خود را تحت نظارت وزیر دادگستری انجام می‌داد اما اکنون، هیچ رابطه سلسله مراتبی بین او و دادستان وجود ندارد؛ وزیر دادگستری فقط قادر به نظارت بر عملکرد نظام قضایی است و نمی‌تواند دستور تعقیب یا عدم تعقیب پرونده بدهد یا دستورالعملی برای آن صادر کند (Montana, 2009: 41). به این ترتیب، دادستان از سلسله مراتب وزارت دادگستری خارج و همانند قضات تابع شورای عالی قضایی (CSM)^۱ است و تنها در برابر قانون مسئولیت دارد (Voena et al., 2014: 57-88). کانون وکلای امریکا در سال ۲۰۱۷ سندی را به نام "معیارهای عدالت کیفری برای عملکرد تعقیب" (The American Bar Association, 2017: Online) صادر کرده است. در معیار ۳-۱-۳ آمده که "به طور کلی دادستان به عموم مردم خدمت می‌کند و نه هیچ نهاد دولتی معین...". (Ibid: Online) براساس این سند دادستان باید در راستای منافع عمومی جامعه بدون طرفداری از نهاد حکومتی عمل کند لیکن در حقیقت با وجود سلسله مراتبی، مساله نبود بی طرفی و سعی در کسب رضایت مقامات مافوق، انکار ناپذیر است. به همین دلیل سلسله مراتبی و وحدت نظارت از یک نهاد، نظارت را از مسیر اصلی خود در حمایت منافع عمومی جامعه بدون طرفداری از طرف معین، خودآگاه یا ناخودآگاه منحرف می‌کند و نظارت را به نظارت بیهوده و شکلی تبدیل می‌کند. به عبارتی سلسله مراتب نظام فرماندهی و فرمانبری کامل را در نظارت برقرار می‌کند و نظارت شونده‌گان را بر سر دو راهی^۲ قرار می‌دهد. سلسله مراتبی به

۱. The Consiglio superiore della magistratura.

۲. Dilemma



نوعی این انتخاب را از فرد نیز سلب می کند و فرد در وضعیتی قرار می دهد که کسب رضایت مقامات مافوق بر ارزش های دیگر ترجیح بدهد. از شاخصه های زندگی عاریتی^۱، تقلید، تعبد و پذیرش بی دلیل از دیگران و در نتیجه عمل بر خلاف تشخیص خود شخص و «با خود در کشاکش بودن»^۲ می باشد (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۴۵). در واقع عملی در هر سازمان وجود سلسله مراتبی باعث می شود که مقامات نظارت شونده عملاً بر خلاف میل درونی به رفتار و کردار نمایشی جهت کسب رضایت مقامات مافوق دست بزنند و از زندگی اصیل^۳ به زندگی عاریتی سر می برند و به نوعی جدال بین قانون و عدالت به وجود می آورد (سمایی صحنه سرائی، ۱۴۰۱: ص ۲۷/۲۸).

هرچند پژوهش های متعدد ثابت نموده که قوانین کیفری از سوی پلیس و دادستان مورد تعرض قرار می گیرد؛ با افزایش میزان بزهکاری، انواع بزه و بزهکاران و طولانی بودن فرایند تحقیق در پرونده های سنگین، آنان دست به انتخاب گزینشی پرونده ها جهت تعقیب، تحقیق و صدور کیفرخواست زده و حتی ممکن است از تعقیب جرایم خطرناک نیز امتناع کنند (Goldstein & Martin Marcus, 1977: 240-241). اما نهاد دادرسی در ایران در موارد قابل توجهی می تواند بدون اخذ مجوز از نهاد بالاتر، تصمیمات سنگین - از قبیل قرار بازداشت، تفتیش مسکن، تفتیش اشخاص، کشف و گردآوری ادله و موارد دیگری که جنبه قضایی دارد - را اخذ کند. امروزه آثار زیان بار این تصمیمات بر کسی پوشیده نیست و در بسیاری موارد، جبران زیان های برآمده از چنین تصمیماتی، دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، دادستان در عمل همانند وکیل رفتار می کند؛ به عبارت دیگر، دادستان نماینده دولت و طرفدار مجازات کردن افراد

۱. Vicarious.

۲. Selfchallenging.

۳. Authentic.



است. حال آنکه در حقیقت، نهاد دادسرا نهادی در مقابل متهم نیست؛ بلکه باید به صورت بی‌طرف عمل کند و هدف آن اثبات اتهام افراد گناهکار و نجات افراد بی‌گناه از سیطرهٔ اتهام باشد (حومد، ۱۹۸۷: ۱۵۳). اما بدون توجه به این مسائل، نظارت در عمل و قانون به این شکل است.

۳. نظارت برون‌نهادی

دیدگاه غالب در جهان وجود نظارت از داخل و خارج دادسرا بر نهاد دادسرا است (Wright & Marc, 2010: 1591). نظارت برون‌نهادی، نظارت نهادی بر نهاد دیگر در اموری است که بر اساس قانون به آن واگذار شده باشد؛ در این‌گونه نظارت، تأیید یا نظارت تعداد معین شده در قانون از قضات خارج از نهاد مربوطه لازم است. نمونهٔ این نظارت، صلاحیت نظارتی قاضی آزادی و بازداشت فرانسه در مواردی است که حقوق و آزادی‌های شهروندان از طریق بازداشت موقت (صدور، تمدید یا آزادی) یا قرار دادن افراد تحت نظارت قضایی، حبس خانگی، نظارت الکترونیکی و یا حتی در موارد غیرکیفری در معرض خطر قرار می‌گیرد (Mertens, 2017: Online). لذا اتخاذ هرگونه اقدام پیشینی از سوی دادسرا در جرایم غیرمشهود، نیاز به مجوز و نظارت قاضی آزادی و بازداشت، به عنوان نهاد قضایی برون‌نهادی دارد.

در سال ۲۰۰۱ میلادی، دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان - به عنوان دادگاه متشکل از بیش از یک قاضی - در پرونده‌ای با موضوع تفتیش مسکن فردی به دلیل خطر قریب الوقوع (فوریت) تأکید کرد که مسألهٔ فوریت باید به صورت مضیق تفسیر شود و هرگونه نقض حق اساسی افراد تنها با حکم قاضی ممکن است. مطابق این حکم، اصل بر تفتیش قضایی است و تفتیش غیرقضایی در حالت فوریت استثنا محسوب می‌شود.



(Bundesverfassungsgericht, 2001) ۸. بر اساس بند ۱ و ۲ ماده ۱۱۹ از قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، ملاقات‌ها و ارتباطات افراد بازداشت‌شده باید با مجوز و تحت نظارت باشد. در سال ۲۰۲۲، در خصوص شکایت شاکی از تداوم شنود مخابراتی مکالمه میان او در بازداشتگاه و والدینش حتی پس از اقرار وی به ارتکاب جرم تجاوز جنسی با اجبار، دادگاه قانونی اساسی فدرال آلمان در رأیی اعلام کرد پس از اعتراف و محکومیت ابتدایی، دیگر نظارت بر گفتگو ضروری نیست و در نتیجه متناسب با خطر فرار یا تبانی نیست. در این پرونده دادگاه چنین اقدامی را دخالت در حریم خصوصی دانست و تأکید کرد که این تصمیمات باید معقول و موجه باشد (Bundesverfassungsgericht, 2022). ملاحظه می‌شود که نقش نظارت نه تنها بر قانونی بودن اقدام در حین اتخاذ تصمیم صورت گرفته است، بلکه در اجرای آن تصمیم هم نقش داشته است. در این پرونده، اگر به ظاهر ماده قانونی ۱۱۹ نگاه شود، چنین نظارتی کاملاً قانونی به نظر می‌رسد؛ اما در عمل، نهاد نظارت‌کننده براساس معیارهایی از قبیل معقول و مناسب بودن، این اقدامات را خلاف روح قانون دانسته است. از این امر می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظارت بر اتخاذ و آغاز تصمیم کفایت نمی‌کند؛ بلکه نظارت بر اجرای تصمیمات اهمیت دو چندان دارد.

در حکمی دیگر دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان که در ۴ فوریه سال ۲۰۰۵ در خصوص تفتیش یک واحد آپارتمان بدون حکم قضایی و توقیف یک تلفن همراه حاوی اطلاعات ذخیره‌شده، صادر شد، دادگاه قانون اساسی این کشور، حکم دادگاه ایالتی مبنی بر تأیید توسل به فوریت برای جلوگیری از بین رفتن ادله را باطل کرد؛ چون بازرسان حتی سعی نکرده بودند با قاضی صالح تماس بگیرند و هیچ نشانه‌ای مبنی بر خطر از بین رفتن دلایل وجود نداشت (Bundesverfassungsgericht, 2005).

۱. Urteil vom 20. Februar 2001-2 BvR 1444/00.



نمونه دیگر آن، نظارت شعبه مقدماتی بر تحقیقات مقدماتی انجام شده از سوی دادرسی دیوان است؛ برای قانونی بودن این تحقیقات، باید از سوی شعبه مقدماتی نظارت صورت بگیرد. دیوان کیفری بین‌المللی قضات شعبه مقدماتی را قادر ساخت تا بر شروع تحقیقات از سوی دادستان نظارت کنند؛ به عبارت دیگر، دادستان استقلال دارد، اما تابع نظارت قضایی است. لذا تصمیم برای آغاز تحقیقات باید به تأیید شعبه مقدماتی برسد (جنت مکان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۸).

مشابه این نمونه از نظارت در فرانسه، «شعبه تحقیق» است که بر اساس ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه^۱، از رئیس و دو مشاور تشکیل شده است؛ این شعبه که در واقع، مرحله میانی بین تحقیق و دادرسی به معنای اخص کلمه است، پیش از قانون تأکید بر حمایت از اصل براءت و حقوق بزه‌دیدگان مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی^۲ «شعبه اتهام» نام داشت (Vie-publique, 2022). اکنون وظیفه اصلی این شعبه، علاوه بر وظایف دیگر، نظارت بر تصمیمات قاضی تحقیق یا قاضی آزادی و بازداشت است و در این خصوص، قدرت اصلاح یا بطلان تصمیمات را نیز داراست (Laronde-Clérac, 2021: 239). در دیوان کیفری بین‌المللی نیز، نظارت شعبه مقدماتی متشکل از سه قاضی برای مجوز آغاز به تعقیب دادستان، نمونه‌ای دیگر از نظارت تعدادی از قضات است (کریستوف ساغرلینگ و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲۴). به نظر می‌رسد در قانون ایران جای این‌گونه نظارت، بر تصمیمات تعقیبی و تحقیقی در هنگام اتخاذ آنها خالی است.

۴. نظارت پس از تصمیم

۱. Art.191. Code de procédure pénale.

۲. Loi n° 2000-516 du 15 juin 2000 renforçant la protection de la présomption d'innocence et les droits



مراد از نظارت پس تصمیم "نظارت پسینی" است که پس از اتخاذ تصمیم اتخاذ می شود؛ به عبارت دیگر، اول تصمیم و سپس نظارت در مقام رسیدگی به اعتراض صورت می گیرد. به این دلیل به این نظارت نظارت پسینی و ثانویه گفته می شود (شیدائیان و عبد الله نیسیانی، ۱۳۹۸: ۱۵۴). نمونه بارز این مسائل در ایران اعتراض به قرار های تامین کیفری از جمله قرارها منتهی به بازداشت، توقیف و ضبط اشیاء، اعتراض به دستور بازداشت و تصمیماتی دیگری است که نزد دادگاه کیفری پس از صدور و اجرا آن قابل اعتراض است. ویژگی غالب مرحله تحقیقات پلیسی و مقدماتی موکول کردن مساله نظارت و اعتراض به مراحل رسیدگی بعدی است (Gogorza, 2017: p248). در این مرحله افراد حق ندارند نزد دادگاه یا قاضی مستقل اقدامات متخذه را به چالش بکشند. دادگاه های بدوی نیز زمانی می توانند اقدامات متخذه را مورد بررسی قرار دهند که پرونده تحت صلاحیت و اختیار آنها بوده باشد و قرارهای نهایی از سوی مقام های تحقیق صادر شده باشد. در انگلستان متهم یا دوستان و نزدیکان متهمی که در بازداشت است، می توانند در خصوص قانونی بودن توقیف وی از قضات صلاحیت دار، تقاضای رسیدگی کنند و این تحت عنوان "Habeas Corpus" شناخته می شود (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۱). در مواردی اصل اقتضای تعقیب نیز نظارت هایی توسط قانون و شاید مهمتر از آن، از طریق سلسله مراتب و کنترل های دادستانی صورت می گیرد. در اکثر کشورهای رومی-ژرمنی، بزه دیده جرم هم می تواند به سوءاستفاده از اختیارات دادستانی اعتراض کند (Luna & Wade, 2010:1432). بنابراین نظارتی که در خصوص این تصمیمات اتخاذ می شود، پس از صدور و از نوع نظارت پسینی است.

۵. نظارت پیش از تصمیم

پیشنهاد نظارت قضایی پیشینی در مورد تصمیمات متعرض به حقوق و آزادی های افراد، بدون نیاز به ارائه درخواست، زمینه نظارت و بررسی خودکار در هنگام بررسی



موضوع و به صورت پیشین را فراهم می‌کند (زغلول، ۲۰۰۹: ۱۵۵). این نظارت، نظارت مقدماتی و آینده نگر است چون به صورت پیشینی قبل از اجرا و از وقوع آثار در آینده جلوگیری می‌کند (شیدائیان، پیشین: ۱۵۴). از جلوه‌های نظارت پیشینی ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک ایران است. بر اساس این ماده، کنترل ارتباط مخابراتی افراد ممنوع است؛ جز در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور یا جهت کشف جرایم بندهای (الف) تا (ت) ماده ۲۰۲ این قانون، کنترل با تعیین مدت و دفعات آن در خصوص اشخاص و مقامات غیر از ماده ۳۰۷ با موافقت رئیس کل دادگستری امکان‌پذیر است؛ اما اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷، تنها با مجوز رئیس کل قوه قضاییه صورت می‌گیرد. از جلوه‌های نظارت پیشین نیز در ماده ۵۱ آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی (سابق) و دادگاه رواندا بیان شد. این ماده ضمن تشریح انواع شیوه‌های استرداد کیفرخواست، در یکی از بندهای خود به دادستان اجازه داد که در هریک از مراحل دادرسی، درخواست استرداد کیفرخواست را بدهد، اما این درخواست باید مورد تأیید دادگاه قرار گیرد. چنین موضوعی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی نشد، اما طبق ماده ۱۶ آن اساسنامه، شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد با صدور قطعنامه، تحقیق یا تعقیب را برای ۱۲ ماه قابل تمدید، تعویق می‌کند. در دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ اساسنامه، پس از گردآوری اسناد و مدارک و رسیدن به نتیجه، ضرورت آغاز تعقیب و تحقیق باید به تأیید شعبه مقدماتی برسد (صابر، ۱۳۹۴: ۱۲۰). از آنجا که حساسیت دیوان کیفری بین‌المللی به مراتب بیش از دادگاه یوگسلاوی و رواندا شد و شکل تکامل یافته‌تری پیدا کرد، تأیید شعبه مقدماتی در همه امور تعقیب و تحقیق لازم است (همان: ۸۲). در این خصوص شعبه مقدماتی می‌تواند کل درخواست را رد کند یا موافقت خود را با تمام یا بخشی از درخواست اعلام کند (کریستوف ساغرلینگ و دیگران، پیشین: ۳۲۴).

در آلمان، نهاد دادرسی مستقل جهت اجرای عدالت است و از اطراف دعوای



کیفری محسوب نمی‌شود؛ به همین سبب، به صورت بی‌طرفانه جهت کشف حقیقت و مصلحت کل جامعه عمل می‌کند و با اطراف دعوی رویکرد خصمانه ندارد (Siegismund, 2001: 64). دادستان در این کشور، صلاحیت آغاز تحقیقات را جهت توجیه اتهامات عمومی دارد و در صورت گزارش جرم از سوی پلیس دادستان باید بدون تاخیر تحقیق را آغاز کند، لیکن در عمل پلیس قدرت انجام تحقیقات یا چشم‌پوشی از برخی پرونده‌ها را بدون ارجاع به دادسرا دارد (Kremens, 2021: 121). بر اساس قانون اساسی آلمان، تفتیش (بند ۲ ماده ۱۳) و دستگیری (بند ۲ ماده ۱۰۴)، تنها توسط قاضی و در موارد بسیار استثنائی توسط پلیس و دادستان اعمال می‌شوند. اگرچه دادستان مسئول انجام تحقیقات است، اما برای هر اقدام تحقیقی که ممکن است منجر به نقض حقوق افراد گردد، نیاز به مجوز قضایی دارد؛ در نتیجه تنها قاضی می‌تواند اقداماتی را که با حقوق و آزادی‌های افراد تداخل داشته باشد، اعمال کند (Weigend & Salditt: 2007: 85). متولیان تحقیق در آلمان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول، شامل همه افسران پلیس از جمله کسانی که صفت "Ermittlungspersonen" را ندارند، اختیار شروع به تحقیق و اتخاذ تصمیماتی نظیر بازداشت افراد در موارد اضطراری یا اخذ عکس یا اثر انگشت را دارند. گروه دوم، افسران پلیس دارای صفت "Ermittlungspersonen" هستند که اختیار آغاز کردن تحقیق و در شرایط اضطراری امکان اقداماتی مثل بازرسی بدنی اشخاص مظنون و غیر مظنون، مصادره و غیره را دارند. گروه سوم نهاد دادسرا است که تمام اختیارات گروه‌های پیشین و اختیاراتی بیش از آن را دارد (Kremens, Op.Cit: 154-155). نکته مهم این است که پلیس همیشه باید از طریق دادستان برای دستگیری، تفتیش، توقیف یا مراقبت مجوز قضایی بگیرد (Ibid: 155). در آلمان از سال ۱۹۷۵ میلادی، قاضی تحقیق "Untersuchungsrichter" دارای صلاحیت گسترده، جای خود را به قاضی "Ermittlungsrichter" داد که مانند او قاضی است، اما بازپرس نیست؛ قاضی



تحقیق از یک سو صلاحیت انجام تحقیقات به درخواست دادستان را داراست و از سوی دیگر بر اختیارات دادستان، در زمینه تصمیمات متعارض با حقوق و آزادی‌های افراد در تفتیش، بازداشت، توقیف، صلاحیت نظارتی دارد (Ibid: 77 & 157).

در ایتالیا چهار مقام در مرحله پیش‌دادرسی نقش دارند؛ دادستان، پلیس، قاضی تحقیقات اولیه و قاضی تحقیقات مقدماتی (Montana, 2016: 292). با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری این کشور در سال ۱۹۸۸، تغییراتی جدی صورت گرفت؛ با حذف بازپرس و تحقیقات مقدماتی به عنوان نماد نظام رومی-ژرمنی، آیین دادرسی این کشور به نظام اتهامی در کشورهای انگلوساکسون نزدیک شد. اگرچه دادستان در رأس ساختار تعقیب باقی ماند، اما برای حفظ حقوق و آزادی‌های افراد و تساوی بین اطراف دعوی، آزادی عمل او کاهش یافت و وی به عنوان یکی از اطراف دعوی قلمداد شد (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۷۸). همچنین قاضی جدیدی به عنوان قاضی تحقیقات ابتدایی پیش‌بینی شد که مسئولیت حفظ حقوق و آزادی‌های افراد و نظارت پیشینی بر تصمیمات دادسرا از جمله تصمیمات مربوط به ارجاع پرونده به دادگاه را بر عهده دارد. اما در جرایم مشهود و جرایم کم اهمیت و یا در صورت اقرار متهم، دادسرا می‌تواند پرونده را مستقیماً به دادگاه ارجاع دهد. جرایمی که مستوجب مجازات سالب آزادی کمتر از ۴ سال باشند، توسط قاضی واحد "Pretore" رسیدگی می‌شود، اما هرگونه اقدام مرتبط با آزادی افراد باید از طریق قاضی تحقیقات مقدماتی صورت بگیرد (همان: ۱۸۱-۱۷۹). قاضی تحقیقات مقدماتی که از او معمولاً با عنوان «قاضی بدون پرونده» یاد می‌شود، در موارد استثنایی، بنا به درخواست اطراف دعوی در مورد محدودیت حقوق اساسی مداخله می‌کند (Caianiello, 2012: 252). در ایتالیا نیز، تصمیمات دادستان در خصوص تعقیب و ارسال پرونده به دادگاه، تحت کنترل دو نوع قاضی (به اصطلاح قضات برای تحقیقات مقدماتی و قضات برای محاکمه مقدماتی) است (Nelken, 2013: 263). زمانی که به دادستان وقوع جرمی اطلاع داده می‌شود، او با وجود برخی استثنائات باید اقدام



کند. پس از تحقیقات اولیه او باید درخواستی جهت آغاز تعقیب و یا بایگانی پرونده به قاضی تحقیقات مقدماتی (GIP) بدهد (Montana, Op. Cit: 30). قاضی تحقیقات مقدماتی می‌تواند از دادستان بخواهد فردی را که اتهام وی در تحقیقات روشن شده است، متهم قلمداد کند (ماده ۴۱۵ بند ۲) و برخی معتقدند که این اقدام باید توسط دادستان انجام شود، که در سیستم ایتالیایی، تنها حق طرح اتهام را دارد لیکن با هدف حفظ اصل قانونی بودن تعقیب، که یک اصل قانون اساسی است؛ توجیه می‌شود (Capriol, 2014: 455-552).

قاضی (GUP) برای ایراد اتهام در کل دادرسی وجود ادله اتهام را بررسی می‌کند و اظهارات طرفین را می‌شنود، سپس ممکن است تصمیم بگیرد که تعقیب را کنار بگذارد یا پرونده را به دادگاه بفرستد یا تکمیل تحقیقات را از دادستان بخواهد (Ibid: 522-534). دادستان برای بازداشت افراد مظنون به ارتکاب جرم باید درخواستی به قاضی بدهد و باید برای آن دلایل کافی و معقول داشته باشد که نشان دهد متهم می‌خواهد ادله را از بین ببرد یا در شرف ارتکاب جرم دیگر است. در شرایط اضطراری نظیر وجود دلایل کافی برای بیم فرار متهم، دادستان می‌تواند فرد را دستگیر کند و ظرف ۴۸ ساعت به تأیید قاضی رسانده تا قرار بازداشت وی صادر شود. به همین ترتیب، تأیید مقام قضایی در خصوص اخذ نمونه DNA و شنود مخابراتی نیز ضروری است؛ در غیر این صورت ادله حاصل شده در هیچ یک از مراحل دادرسی قابلیت استناد نخواهد شد (Caianiello, OP.cit: 259-260).

۶. نظارت استطلاعی

هدف اصلی از چنین نظارتی، اطلاع دقیق ناظر از چگونگی انجام وظیفه نظارت‌شونده است. در این نوع نظارت اخباری یا استطلاعی، ناظر حق صدور حکم یا دستور ندارد و ضمانت اجرای تبعیت از نظر وی وجود ندارد؛ مثل سازمان بازرسی کشور که طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی ایران در مسئله اعلام وقوع جرم، نظارت استطلاعی دارد



(مرندی، ۱۳۷۸: ۵۲). در آیین دادرسی کیفری می‌توان گفت نظارتی است که ناظر فقط حق اطلاع یافتن دارد؛ به عبارت دیگر، در این نوع نظارت، نظارت‌شونده فقط وظیفه اطلاع دادن به ناظر را دارد، بدون اینکه ناظر حق رد یا تأیید اقدام را داشته باشد. وظیفه نظارت‌شونده ممکن است تنها گزارش دادن به مقامات دیگر باشد (یزدی، ۱۳۷۸: ۷۵). نمونه بارز این‌گونه از نظارت را در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۱۴ می‌توان دید. طبق این ماده، متوقف کردن فعالیت تولیدی و خدماتی از سوی بازپرس ممنوع است؛ مگر اینکه قرائن معقول و ادله موجود ثابت کند که ادامه یافتن این فعالیت‌ها متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه مضر به سلامت، امنیت یا نظم عمومی باشد. اما این ماده بازپرس را مکلف به اطلاع دادن به دادستان کرده است. در ماده ۱۰۹ این قانون نیز بازپرس در صورت صدور قرارهای تامین خواسته - خواه در فرض اجرای قبل از ابلاغ یا ابلاغ پس از اجرا - مکلف است مراتب را به اطلاع دادستان برساند. در این ماده وظیفه بازپرس فقط این است که به دادستان اطلاع دهد؛ بدون اینکه لازم باشد موافقت یا تأیید وی را اخذ کند.

در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۰۸۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه آمده است که: «نظارت دادستان شهرستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها و مقامات قضایی دادرسی‌های شهرستان‌های آن استان، در ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به معنای دخالت در امور مربوط به وظایف اداری و قضایی آنها نیست؛ با این توضیح که دادستان شهرستان مرکز استان، حق دخالت در اقدامات قضایی مقامات دادرسی‌های شهرستان‌های مرکز آن استان را ندارد و صرفاً بر اجرای صحیح قانون در دادرسی مزبور نظارت داشته و عنداللزوم نسبت به ارائه تعلیمات لازم و تذکر مراتب اجرای قانون می‌پردازد، بدون اینکه در روند پرونده‌های مربوط در عمل دخالتی داشته باشد و لذا نظارت مزبور باید به نحوی اعمال گردد که اعمال مدیریت از سوی رئیس دادگستری شهرستان و دادستان شهرستان مختل نگردد.



بنابراین نظارت استصوابی منتفی است.» (سامانه ملی، ۱۳۹۶) ویژگی‌ها و خصوصیات نظارت استطلاعی از قبیل صرف اطلاع دادن، ارائه تعلیمات و عدم دخالت در اموری که نظارت شونده برعهده دارد، به خوبی در این نظریه مشورتی ملاحظه می‌شود.

۷. نظارت استصوابی

مراد از نظارت استصوابی، تصویب و نظارت پیشین ناظر بر اعمال متولی پیش از اجرای آن است (معین، ۱۳۸۶: ۱۹۴۷). در این نوع نظارت، برای جلوگیری از سوءاستفاده و اشتباه، ناظر در کل موارد تصمیم‌گیری حاضر و اقدامات صورت گرفته را تأیید می‌کند (یزدی، پیشین: ۷۶-۷۵). ریشه واژه استصواب در فقه و در مبحث وقف بیان شده است. استصواب در لغت صواب دید است و در حقوق عمومی و اساسی معادل فرانسوی آن "le pouvoir" و "d'approbation préalable" و در انگلیسی "Approval Supervision" است (مرندی، پیشین: ۵۲). در نظارت استصوابی ناظر حق مداخله مستقیم در کار نظارت‌شونده را دارد، اما این دخالت بی حد و مرز، خودسرانه و بر اساس دیدگاه ناظر نیست؛ بلکه باید قانونمند باشد (شعله‌سعدی، ۱۳۷۸: ۱۷۰). چنین اعمالی بدون تأیید ناظر اعتبار نخواهد داشت. در این نوع از نظارت، امکان صدور دستور یا حکم از مقام یا نهاد ناظر امکان‌پذیر است و عمل خلاف دستور یا حکم دارای ضمانت اجرا است؛ مثل نظارت مدیر بر کارکنان یا نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای قوانین موضوعه اصل ۱۵۶ قانون اساسی (مرندی، پیشین: ۵۲). نظارت استصوابی را می‌توان از حیث زمان به نظارت پیشینی، پسینی و همزمان با انجام کار تقسیم نمود.

نمونه‌های متعدد از این نوع نظارت را می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران ملاحظه کرد. نظارت دادستان بر دادیار، بهترین نمونه جهت توضیح نظارت استصوابی است؛ چون تبعیت دادیار از دادستان لازم است و تمام اقدامات دادیار، نیاز به موافقت دادستان دارد و بدون آن اقدام وی بی‌اثر قلمداد می‌شود (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵/۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه بیان



کرده است که: «مستفاد از مواد ۱۱، ۷۳، ۷۴، ۸۹، ۹۰ و ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نظارت دادستان بر اقدامات بازپرس با توجه به موارد مختلف آن و اینکه بازپرس مکلف به پذیرش نظر دادستان باشد یا نباشد، حسب مورد می‌تواند اطلاعی یا استصوابی باشد؛ نظارت استصوابی مانند ماده ۲۲۱ قانون فوق‌الذکر، در مورد احراز ملائت کفیل و تکمیل تحقیقات و نیز ماده ۹۶ در مورد انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم و نظارت اطلاعی مانند ماده ۱۰۹ در مورد اجرای قرار تأمین خواسته قبل از ابلاغ. ضمناً فلسفه نظارت دادستان و ارائه تعلیمات لازم به بازپرس، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در فرآیند تحقیقات مقدماتی است.» (سامانه ملی، ۱۳۹۵) لذا اگر بازپرس در ایران قرار بازداشت موقت صادر نماید و مورد تأیید دادستان قرار نگیرد، قرار مزبور به اجرا در نخواهد آمد و این مصداقی از نظارت استصوابی است. به هر حال نظارت دادستان بر بازپرس دور از منطق و معقولیت است چون دادستان در ایران همزمان مسوول تعقیب و تحقیق هستند و این صفت مانع بی‌طرفی وی و توانایی وی در برعهده گرفتن نظارت جهت حفظ حقوق و آزادی‌های افراد را ندارد (یوسفی و یوسفی، ۱۴۰۱: ۳۱۵).

در ماده ۴۴ این قانون مقرر شده است که «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند...» و ماده ۴۶ همان قانون نیز بر این نکته تأکید دارد که ضابطان باید نتیجه اقدامات خود را به دادستان اطلاع دهند و دادستان می‌تواند دستوراتی برای تکمیل اقدامات و تحقیقات صادر کند. بنابراین نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری در جرایم غیرمشهود از نوع نظارت استصوابی است. در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز بیان شده است که انتشار تصاویر و سایر مشخصات متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی مراجع قضایی، انتظامی و



رسانه‌ای ممنوع است، اما در جرایم معینی، به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان چنین امری امکان‌پذیر است.

۸. نتیجه‌گیری

نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق، نظارت بر اقدامات قضایی و تحقیقی نهادهای متولی امر تعقیب و تحقیق به خصوص اقدامات قهرآمیز در مرحله پیش‌دادرسی است که از سوی قضاتی انجام می‌شود که تمام ویژگی‌های قاضی به معنای اخص کلمه از قبیل استقلال و بی‌طرفی را دارند. اقدامات قهرآمیز این مرحله تبعات جبران ناپذیری از قبیل سلب آزادی افراد، نقض حریم خصوصی و موارد دیگر دارد. بر این اساس، پیشنهاد نظارت قضایی بر چنین اقداماتی به خصوص در کشورهایی که امر تعقیب و تحقیق را به پلیس یا نهاد دادرسی و اگذار کرده‌اند، اهمیت دوچندان دارد.

در قوانین دادرسی کشورهای ایتالیا و آلمان و دادگاه کیفری بین‌المللی جایگاه نظارت قضایی پیشینی تثبیت شده است. بسیاری از اقدامات تحقیقی از قبیل تفتیش، مصادره، بازداشت یا اقدامات مرتبط با حریم خصوصی افراد، تحت نظارت پیشینی مقام قضایی انجام می‌شود؛ به این منظور در فرانسه قاضی آزادی و بازداشت و در ایتالیا قاضی تحقیقات اولیه و مقدماتی پیش‌بینی شده است. با آنکه نظارت قضایی پیشینی به مثابه فیلتر، حامی حقوق و آزادی‌های افراد بوده و از سوءاستفاده مقامات از اختیارات جلوگیری می‌کند، نظارت قضایی پیشینی کمتر در ادبیات آیین دادرسی کیفری ایران شناخته شده است. چالش اصلی نظارت در ایران تمرکز گرایی قدرت نظارت در دست دادرسی است به گونه‌ای که این مساله منجر به شکلی و صوری بودن نظارت شده است. لذا، جهت انتقال از نظارت صوری و درونی نهادی به نظارت حقیقی و واقعی تقویت و ارتقای نظارت بر عملکرد نهادهای تعقیب و تحقیق در ایران، با پیش-بینی یک نهاد مستقل نظارت قضایی - با عنوانی شبیه به دادگاه آزادی‌ها و بازداشت و



یا شعبه‌ی مقدماتی - با دامنه‌ی اختیارات و صلاحیت‌های مشخص در یک چارچوب تعریف - شده در قانون آیین دادرسی کیفری که آزادی عمل مطلق مقامات دادرسی را سلب نماید و همچنین پیش‌بینی مقررات صریح در زمینه‌ی ضمانت اجرای تخطی یا تعدی مقام‌های تعقیب و تحقیق؛ ضرورت دارد.

از جمله مبانی توجیه‌کننده پذیرش نظارت قضایی پیشینی بر امر تعقیب و تحقیق؛ تضمین حقوق بنیادین مظنونان و متهمان، ممانعت از سوءاستفاده‌ی مقام‌های دادرسی از اختیارات قضایی در مرحله تعقیب و تحقیق، کاهش زمینه‌ی سوگیری ضابطان و مقام‌های دادرسی در اثر اعمال نفوذهای ساختاری یا فراساختاری و همچنین لزوم توجیه‌پذیری اقدامات مقام‌های تعقیب و تحقیق در چرایی و چگونگی رفتار با مظنونان و متهمان. به همین دلیل از ضوابط مربوط به مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نهاده‌ی نهاده‌ی نظارت قضایی پیشینی و ضرورت اعمال آن بویژه در ارتباط با تمام اقدامات متعرض حقوق و آزادی‌های افراد در شرایط عادی و جرایم غیر مشهود خارج از وضعیت فوریتی، امکان‌پذیر است. هر چند که قانونگذار ایران برخی از تصمیمات دادرسی یا متولیان دادرسی از قبیل بازپرس و دادستان مورد نظارت پسینی دادگاه قرار می‌گیرد اما بهتر است که قانون‌گذار به نظارت پیشینی بر همه اقدامات متعارض به حقوق و آزادی افراد پیشینی کند. این ضرورت ناشی از اینکه هرچند بازپرس به ظاهر استقلال دارد اما تحت سیطره دادستان است. از طرف دیگر دادستان و معاونین دادستان دست به تحقیق می‌زنند و عمل اصلی خود در تعقیب و تحقیق و نظارت نیز توسعه داد. یافته‌های پژوهش حاکی است در کشورهایی که نهاد ناظر مشخصی بر امر تعقیب یا تحقیق نظارت دارد، مخاطرات ناشی از نقض، تهدید یا تحدید دامنه‌ی حقوق اتهامی اشخاص کمتر است؛ ضمن آنکه، مقام‌های تحقیق و تعقیب دقت و مراقبت بیشتری بر کیفیت و نحوه‌ی صدور قرارها و توجه به پیامدهای ناشی از نقض یا نادیده‌انگاری حق‌های اتهامی خواهند داشت.



۹. منابع

۹. ۱ منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

- ۱) آشوری، محمد (۱۳۷۶)، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران: گنج دانش.
- ۲) خالقی، علی (۱۳۹۵)، *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ هفتم، تهران: شهر دانش.
- ۳) خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۷)، *الگوهای حاکم بر نهادهای تعقیب و تحقیق کیفری*، پژوهشگاه قوه قضاییه، نوبت چاپ ۱.
- ۴) خزانی، منوچهر (۱۳۷۷)، *فرایند کیفری (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵) راسخ، محمد (۱۳۸۸)، *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، انتشارات دراک، چاپ نخست.
- ۶) ساغرلینگ، کریستوف و دیگران (۱۳۹۷)، *آیین دادرسی کیفری بین‌المللی*، ترجمه قباد کاظمی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۷) شعله سعدی، قاسم (۱۳۷۸)، *نظارت استصوابی و مقوله تفکیک قوا*، به اهتمام روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- ۸) مرندی، محمدرضا (۱۳۷۸)، *تأملی در مبانی و ادله نظارت استصوابی*، به اهتمام روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- ۹) معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی*، دو جلدی، گردآورنده عزیز الله علی‌زاده، جلد دوم: چاپ چهارم، تهران: پارس نوین.



۱۰) یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: دین و مفاهیم نو، نظارت / استصوابی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ب) مقاله‌ها

۱۱) آقای جنت مکان، حسین (۱۳۸۷). نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری. *مجله حقوقی*، (۳۹)، ۲۴۵-۲۶۳.

۱۲) افراسیابی، علی (۱۳۹۵). باز توزیع اختیارات نهادهای کشف و تحقیق جرم در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۱۸ (۴).

۱۳) خزانی، منوچهر و اردبیلی، محمد علی و نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)، پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا (انجمن بین‌المللی حقوق جزا) (۱۰ - ۴ سپتامبر ۱۹۹۴ برابر با ۱۳ تا ۱۹ شهریور ۱۳۷۳، ریودوژانیرو، برزیل)، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۶ و ۱۷.

۱۴) شیدائیان، زینب & عبداللهی نیسیانی، علی (۱۳۹۸)، بررسی مدل ارتباط سلسله‌مراتبی میان دادرسی و پلیس در فرایند کیفری. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۸ (۲۹)، ۱۳۵-۱۷۰.

۱۵) عبدی، حسین و اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی نظارت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، شماره ۱۵.

۱۶) ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، زندگی اصیل و مطالبه دلیل. *فصلنامه علمی پژوهشی متین* ۱۳۸۱ شماره ۱۵ و ۱۶.

۱۷) نژاد، محمدمنصور (۱۳۸۳)، *فلسفه نظارت*، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۳۳.

۱۸) یوسفی، ایمان & یوسفی، سعید (۱۴۰۱)، نظارت قضایی بر فرایند تایید اتهامات؛ مدل‌های دادرسی ایرانی و دیوان کیفری بین‌المللی. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۰ (۱۹)، ۲۹۷-۳۱۸.

ج) درگاه‌ها

- ۱۹) سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی (۱۳۹۵)، مشاهده در:
<https://qavanin.ir/Law/TreeText/287483> ۱۴۰۱/۱۲/۱۳
- ۲۰) (۱۳۹۶)، مشاهده در: ۱۴۰۱/۱۲/۵
<https://qavanin.ir/Law/TreeText/271694>

د) رساله‌ها

- ۲۱) سمائی صحنه سرائی، مهدی (۱۴۰۱)، *جدال قانون گرایي و عدالت طلبی در تجربه زیسته قضات کیفری ایران*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۲) یوسفی، ایمان (۱۳۹۱)، *مدل‌های تحقیقات مقدماتی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، دانشکدگان فارابی.

۲.۹. منابع عربی

الف) کتاب‌ها

- ۲۳) حومد، عبدالوهاب (۱۹۸۷)، *أصول المحاکمات الجزائية، الطبعة الرابعة، دمشق: المطبعة الجديدة بدمشق*.
- ۲۴) سرور، أحمد فتحي (۲۰۱۶)، *الوسيط في قانون الإجراءات الجنائية، الكتاب الاول، الطبعة العاشرة، القاهرة: دار النهضة العربية*.

ب) مقاله‌ها

- ۲۵) زغلول، بشیر سعد (۲۰۰۹) *الرقابة القضائية على أوامر الحبس الاحتياطي والإفراج المؤقت: دراسة مقارنة في كل من القانون القطري والمصري والفرنسي*. *المجلة القانونية والقضائية* - مركز الدراسات القانونية والقضائية - وزارة العدل - قطر. س ۳.



ع ۲، صص ۱۴۹-۱۷۹.

۲۶) شمس الدین، أشرف توفیق (۲۰۰۷)، دور القضاء فى الرقابة على التحقيق الابتدائي: دراسة فى القانون القطرى و المقارن، وزارة العدل، مركز الدراسات القانونية و القضائية.

۳.۹. منابع لاتین

A) Books

27) Caianiello, M. (2012), "The Italian Public Prosecutor: An Inquisitorial Figure In Adversarial Proceedings?". In: Luna, Erik, and Marianne Wade (Eds) (2012), *The Prosecutor in Transnational Perspective*, New York: Oxford University Press.

28) Caprioli, F. (2014). "Indagini preliminari e udienza preliminare". In Conso, Giovanni & Grevi, Vittorio & Bargis, Marta (CEDAM, Eds.), *Compendio di Procedura Penale* (7th ed., pp. 511-685). Wolters Kluwer Italia.

29) Giudicelli-Delage, G. (2007) "La juste distance... Réflexions autour de mauvaises (?) questions. À propos de la réforme de l'instruction et de la procédure pénale française", in *Les droits et le droit, mélanges dédiés à Bernard Bouloc*, Dalloz.

30) Gogorza, A. (2020) "La place et le rôle du JLD dans l'enquête pénale", in Pellé, Sébastien (sous la dir.), *Quelles mutations pour la justice pénale du XXIe siècle ?*, Dalloz, coll. « Thèmes et commentaires ».

31) Laronde-Clérac, C. (2021), *Procédure pénale*, Collection: Spécial Droit, Éditeur: Ellipses

32) Nelken, D. (2013), "Can Prosecutors Be Too Independent? An Italian Case-Study", in: Tom Daems, Dirk van Zyl Smit and Sonja Snacken eds. *European Penology?*, Hart, Oxford.

33) Kremens, Karolina (2021), *Powers of the Prosecutor in Criminal Investigation: A Comparative Perspective*, 1st Edition, New York: Routledge.

34) Voena, Giovanni Paolo & Della Casa, Franco (2014). "Soggetti". In Conso, Giovanni & Grevi, Vittorio & Bargis, Marta (CEDAM, Eds.), *Compendio di Procedura Penale* (7th ed., pp. 1-172). Wolters Kluwer Italia.

35) Weigend T., Salditt F. (2007), "The Investigative Stage of the



Criminal Process in Germany”, In Cape Ed, Hodgson Jacqueline, Pranken Ties, Spronken Taru (eds), *Suspects in Europe: Procedural Rights at the Investigative Stage of the Criminal Process in the European Union*, Antwerp: Intersentia.

B) Articles

36) Dyussebayev, Talgat T., et al. (2020) "Judicial control and prosecutorial supervision in the system of guarantees for observing the rights and freedoms of a suspect person." *Journal of Advanced Research in Law and Economics* 11.3 (49), 792-799.

37) Goldstein, Abraham S., & Martin M. (1977), The Myth of Judicial Supervision in Three "Inquisitorial" Systems: France, Italy, Germany .*The Yale Law Journal*, Vol. 87.

38) Gogorza, A. (2017). L'autorisation judiciaire pendant la phase policière: Libres propos sur la no-tion d'acte juridictionnel en procédure pénale. *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 2, 247-260.

39) Gordon, S. C., & Gregory A. H. (2002) "Citizen Oversight and the electoral incentives of criminal prosecutors." *American Journal of Political Science*: 334-351. published by:Midwest Political Science Association

40) Luna, E, & Wade, M. (2010), “Prosecutors as Judges”.*Wash. & Lee L. Rev.*, 67.

41) Montana, R. (2016), “Procedural tradition in the Italian Criminal Justice System: The Semi-adversarial Reform in 1989 and the inquisitorial cultural resistance to adversarial principles”*The International Journal of Evidence & Proof*, 20 (4).

42) Nowak, C. (2014), Judicial Control of the Prosecutors’ Activities in the Light of the ECHR, *Eucrim: the European Criminal Law Associations' forum*, (2), 60-63. Published online 24 September 2019.

43) Siegismund, E. (2001) The Public Prosecution Office in Germany: Legal Status, Functions and Organization. In *Effective Administration of the Police and the Prosecution in Criminal Justice (Work Product of the 120th International Senior Seminar)*, United Nations Asia and Far East Institute Annual Report for (pp. 59-74).

44) Van Aaken, A. & Salzberger, Eli M. & Voigt, S. (2004) The Prosecution of Public Figures and the Separation of Powers: Confusion within the Executive Branch - a Conceptual Framework. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=545322>

45) Wright, Ronald F., & Marc L. Miller (2010) "The worldwide



accountability deficit for prosecutors." *Wash. & Lee L. Rev.* 67.

C) Websites

46) Bundesverfassungsgericht (2005), "BVerfG, Beschluss der 3. Kammer des Zweiten Senats vom 04. Februar 2005- 2 BvR 308/04 -, Rn. 1-29", http://www.bverfg.de/e/rk20050204_2bvr030804.html

47) Bundesverfassungsgericht (2022), "BVerfG, Beschluss der 1. Kammer des Zweiten Senats vom 15. November 2022". V: 25/11/1401. http://www.bverfg.de/e/rk20221115_2bvr113922.html

48) Bundesverfassungsgericht (2001), "Urteil vom 20. Februar 2001 - 2 BvR 1444/00". v: 11/11/1401, http://www.bverfg.de/e/rs20010220_2bvr144400.html.

49) Mertens, T. (2017), "Les Pouvoirs Du Juge Des Libertés Et De La Détention". Voir: 1/11/1401. Le Village De La Justice; <https://www.village-justice.com/articles/les-pouvoirs-juge-des-libertes-detention,26722.html>

50) OSCE (2022) "Independence of Prosecutors in Central Europe: ODIHR Webinar Report. Organization for Security and Co-operation in Europe". <https://www.osce.org/odihr/511120>

51) The American Bar Association (2017). "Prosecution Function, Fourth Edition of the CRIMINAL JUSTICE STANDARDS for the PROSECUTION FUNCTION", v2/6/2023; https://www.americanbar.org/groups/criminal_justice/standards/ProsecutionFunctionFourthEdition/

52) Vie-publique (2022), "Quel est le rôle de la chambre de l'instruction ?". Voir: 15/11/1401. <https://www.vie-publique.fr/fiches/268572-quel-est-le-role-de-la-chambre-de-linstruction>.

D) Theses

53) Montana, R. (2009), **Between Crime-Fighter and Judge: A Study of the Legal and Cultural Influences on the Pre-Trial Role of the Italian Prosecutor with Particular Reference to the Definition of the Crime Problem**, PhD Thesis, Cardiff University.

ترجمه منابع فارسی به انگلیسی

A) Books



1. Ashoori, M. (1997). Criminal Justice (Collection of Articles), (1st Ed). Tehran: Ganj Danesh.
2. Khaleghi, A. (2016). Brief Commentaries on: Code of criminal procedure. The SD Institute of Law, Research & Study.
3. Khanalipour Vajargah, S. (2018). Patterns Governing Criminal Investigation and Prosecution (1st Ed.). Research Institute of the Judiciary.
4. Khazani, M. (1998). Criminal Procedure (Collection of Articles) (1st Ed.). Ganj Danesh.
5. Marandi, M. (1999). *Reflections on the Foundations and Principles of Approval Oversight* (1 st Ed.) (Office for Strengthening Unity, Eds.). Nashr afkar.
6. Moein, M. (2007). *Persian Dictionary* (A. Ali-Zadeh, Comp., Vol. 2: 4th ed.). Adena pub.
7. Rasekh, M. (2007). Control and balance in the constitutional law system (1st ed.). Derak Publication.
8. Safferling, C. (2018). International Criminal Procedure Law (G. Kazemi, Trans.). Tehran: Mizan Publishing.
9. Shole Sadi, G. (1999). Istiswābi Oversight and the Principle of Separation of Powers (Office of Unity Consolidation, Eds.), 1st edition. Tehran: Nashr-e Afkar.
10. Yazdi, M. (1999). *Questions and Answers: Religion and New Concepts, Approval Oversight*. Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing.

B) Articles

11. Abdi, H., & Ardabili, M. (2020). Judicial Supervision in the Pretrial Stage; Comparing Iran's Criminal Procedure and International Criminal Court. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 8(15), 151-172.
12. Afrasiabi, A. (2016). The Power Redistribution of Crime Detection and Investigation Agencies in the Iranian Legal System. *Police Knowledge Journal*, 18(4), 103-133.
13. Aghaei janat makan, H. (2009). Judicial Survey on dixcretion of the prosecutor of the international criminal court. *Law Review*, - (39), 245-263.



14. Khazani, M., Ardabili, M. A., & Najafi Abrandabadi, A. H. (1996). 15th International Congress on Criminal Law (International Association of Criminal Law), (September 4-10, 1994, Rio de Janeiro, Brazil), Legal Research Quarterly, 16 & 17.
15. Mlkeaan, mstfa (1381). Zndgua asal w mtalbh dlal. Fslnamh 'elma pejewhsha mtan [Matin research journal], 1381 shmarh 15 w 16. [In Persian]
16. njead,mhmdmnsr (1383),flsfh nzart,mjllh hkewmt aslama [Islamic Government], shmarh 33. [In Persian]
17. Sheidaean, Z., & Abdollahy, A. (2020). Study of Hierarchical Relationship Model between the prosecution service and the police in the Criminal Process. *Journal of Criminal Law Research*, 8(29), 135-170. doi: 10.22054/jclr.2019.36011.1769
18. Yousefi, I., & Yousefi, S. (2022). Judicial supervision on confirmation of charges process; Iranian and ICC procedure models.. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 10(19), 297-318. doi: 10.22034/jclc.2022.342022.1689

C) Theses

19. Samaei Sahneh Saraei, M (2022). The Struggle Between Legalism and Justice-Seeking in the Lived Experience of Penal Judges in Iran, , PhD Thesis, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
20. Yousefi, I. (2012). The Preliminary Investigation Models. [Doctoral Dissertation in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Tehran, Farabi Colleges], University of Tehran.

ترجمه منابع عربی به انگلیسی

A) Books

1. Srwr, ahmd f. (2016), alwsyt FY qanwn alejra'at aljna'eyh, alktab alawl, altb'eh al'eashrh, alqahrh: dar alnhdh al'erbyh. [In Arabic]
2. Houmed, A. W. (1987). Principles of Criminal Trials (4th Ed.). Damascus: New Damascus Printing House.

B) Articles

3. Zghlwl, bshar s'ed (2009) alrqabh alqda'eyh 'ela awamr alhbs alahtyaty walefrac alm'eqt: drash mqarnh FY kl mn alqanwn alqtry walmsry walfrnsy. Almjhlh alqanwnyh walqda'eyh - mrkz aldrasat alqanwnyh walqda'eyh -wzarh al'edl – qtr. s 3, 'e2, ss 149-179. [In Arabic]
4. Shamsuddin, A. T. (2007). The Role of the Judiciary in Overseeing Preliminary Investigation: A Study in Qatari and Comparative Law. Ministry of Justice, Legal and Judicial Studies Center.



The position of ex-ante judicial supervision over prosecution and investigation in criminal proceedings in Iran, Germany, and Italy

Majed jabban¹, Mahmood saber^{2*}, Seyed Doraid Mousavi Mojab³

1. Ph.D. Student, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Receive: 2023/08/25 Accept: 2024/02/25

Abstract

ex-ante judicial supervision over prosecution and investigation is one of the new developments in criminal procedure. This supervision is the use of supervision by court judges or independent expert judges outside of the Prosecutor's Office over the actions and decisions of the Prosecutor's Office, including the investigator, especially actions that impact individual rights and freedoms in the pre-trial stage of criminal proceedings. Ex-ante supervision is recognized in the criminal justice system of Italy, and Germany; however, in Iran's law, ex-ante judicial supervision has been considered only case-by-case in some articles of Iran's Criminal Procedure Code, without being correctly extended to all decisions that are related to the rights and freedoms of individuals in the pre-trial stage. This article aims to explain the ex-ante judicial supervision comparatively taken in Germany and Italy and examine their differences with the existing supervision in Iran using analytical and descriptive methods, and at the same time, it is comparative with library collection tools; done. The findings of the research indicate the need for Iranian legislators and legal doctrine to pay attention to the issue of ex-ante judicial supervision over prosecution and investigation, such as in Germany and Italy, in an explicit and precise manner, and to prevent the centralization of powers of prosecution, investigation and supervision in the hands of the prosecutor's office to improve the quality of criminal justice and Prevention of judicial errors and violation of people's rights with these broad powers that were given to the judiciary.

Keywords: The pre-trial stage, Individual Rights and Freedoms, criminal proceedings, Prohibition of abuse of authority, judicial supervision.

* Corresponding Author ‹Email: m.saber@modares.ac.ir